



سرمقاله "نبرد خلق"، شماره 7، خرداد 1355

 نبرد خلق ارگان سازمان جبهه‌های فدائی خلق ایران مستطانه محور تمام اشکال مبارزاتی خلق ما	سرمقاله سرمقاله سرمقاله سرمقاله سرمقاله نبرد خلق ارگان سازمان چریکهای فدائی خلق ایران تبلیغ مسلحانه محور تمام اشکال مبارزاتی خلق ما شماره 7 خرداد 1355	کادگران سراسر جهان متحد شوید  فدائی شهید ولیعزت لولیت السادات روحی آهنگران
---	---	--

* فهرست مطالب *

صفحه	مطالب
۱	۱ - سر مقاله
۱۹	۲ - پیام سازمان چریکهای فدائی خلق ایران به جبهه خلق برای آزادی عملاق
۲۲	۳ - پیام جبهه خلق برای آزادی عمان به سازمان چریکهای فدائی
۲۷	۴ - پیام جبهه خلق برای آزادی فلسطین - فرماندهی عمومی به
۲۹	۵ - پیام ارتش آزادی بخش ترکیه به سازمان چریکهای فدائی خلق
۳۳	۶ - پیام جبهه خلق بحرین به سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
۴۱	۷ - چند مصاحبه با رهبران جنبش آزادی بخش خلق فلسطین
۴۲	۸ - مصاحبه با رفیق جرج حبش
۴۸	۹ - متن مصاحبه با رفیق احمد جبریل
۵۷	۱۰ - متن مصاحبه با ماجد ابوشراء دبیر شورای انقلابی " الفتح "
۶۴	۱۱ - اعلامیه توضیحی اعدام انقلابی حسین ناهیدی سرانجام و معاون سازمان ..
۷۲	۱۲ - بازتاب اعدام انقلابی ناهیدی در مشهد
۷۷	۱۳ - متن اعلامیه انفجار در فرمانداری رودسر
۸۹	۱۴ - اخبار
۱۰۳	۱۵ - اعدام يك خائن
۱۰۹	۱۶ - در پیرامون درگیری واحد آموزشی چریکی در کرج
۱۱۲	۱۷ - درگیری در تبریز
۱۱۴	۱۸ - درگیری در خیابانهای تهران

صفحه	مطالب
۱۱۶	۱۹ - درگیری در خیابانهای مشهد
۱۱۷	۲۰ - انفجار در اداره کار استان خراسان
۱۱۹	۲۱ - درگیری در شبسر گرگان
۱۲۱	۲۲ - فرزندان راستین خلق
۱۴۱	۲۳ - پیام سازمان چریکهای فدائی خلق ایران به هفدهمین کنگره کشف راسیون ..
۱۵۹	۲۴ - اعتصابات کارگری در تهران
۱۷۶	۲۵ - متن اعلامیه فراخوان سازمان چریکهای فدائی خلق در دفاع از اعتصابات کارگری تهران
۱۸۰	۲۶ - اعلامیه

جنبش مسلحانه خلق ایران در ۱۹ بهمن ۱۳۴۹ با رستاخیز سیاهکل آغاز گردید و هدف خود را راهگشائی مبارزات خلق ایران قرار داد.

نقطه آغاز جنبش مسلحانه خلق ایران با يك خیزش سراسری توده‌ها همراه نبود، بلکه حرکت يك نیروی کوچک پیشرو وجه مشخصه آن بشمار می‌رفت.

این نیروی کوچک پیشرو که مسلح به مارکسیسم - لنینیسم خلاق بود، با الهام از اراده خلق و درك ضرورت‌های تاریخی ورسالت خود مصمم شده بود که بهر قیمتی که شده به بن بست سیاسی موجود در جامعه ایران پایان بخشد. حرکت انقلابی در جامعه طاخواست توده‌هایی بود که سالیان دراز حق شرکت در سرنوشت خود را نداشته‌اند و همیشه در بنچه قدرت استثمارگران و زورگویان

داخلی و غارتگران امپریالیست خارجی امیر بودند و در دوران اخیر نیز میبایست مطالب نظام دیکتاتوری بورژوازی وابسته ایران را تحمل می‌کردند.

جنبش مسلحانه قبل از آشکار ساختن مبارزات خود، سالها در شكل مخفی مشغول تدارك و زمینه چینی بود.

نقطه عزیمت جنبش مسلحانه، شکست شیوه‌های مسالمت آمیز مبارزه سیاسی از یکطرف، و شکست مبارزات مخفی - سیاسی بی‌عمل از سوی دیگر بود. این شکل از کار سیاسی که تا قبل از رستاخیز سیاهکل بر فعالیت قسمت زیادی از نیروهای مارکسیستی جامعه حاکم بود نوعی "مقاومت منفی سیاسی" آنهم در شکل پنهانی خود بشمار می‌آمد و سبب شده بود که بسیاری از نیروهای پیشرو عملاً در مقابل شیوه‌های وحشیانه

در پیکتاتوری رژیم موضعی انفعالی بگیرند و بانتظار روزهای بهتر سال شماری کنند در چنین شرایطی پیشگامان جنبش به تدارک سیاسی و تدارک عطی مبارزه مسلحانه اقدام نمودند .

پیشگامان جنبش مسلحانه که پیشروترین و صادقترین انقلابیون ایران را تشکیل می دادند ، با تحلیل علمی از اوضاع اجتماعی - اقتصادی و سیاسی جامعه ایران کار خود را آغاز کردند . این تحلیل ها که در آثار " ضرورت مبارزه " مسلحانه ورد تقویری بقا " * ، " مبارزه مسلحانه هم استراتژی هم تاکتیک " و " آنچه باید یک انقلابی بداند " ارائه شده اند . اساس تئوریک جنبش مسلحانه ایران تراشکیلی می دهند .

بر اساس تئورهای سیاسی مطروحه در این آثار استراتژی مرحله اول جنبش مسلحانه ایران و تاکتیکهای مربوط به آن در چهار چوب پروسه انقلاب در یک کشور نو مستعمره ، مشخص شده ، و همچنین

مراحل استراتژیک بعدی جنبش تا احکام مورد بررسی قرار گرفته بودند . و با این همه تعیین دقیق مسیر حرکت نیرو های انقلابی جامعه ما و کشف ویژگیها انقلاب ایران و براساس آن تدوین تئور انقلابی ویژه جامعه ایران تنها در جریان عمل و حرکت میسر بود .

وظیفه جمع بندی تجارب جنبش مسلحانه ایران در دوره گذشته اساسا توسط رفیه شهید بیژن جزئی با استفاده از امکانات و فرصتهای محدودی که در زندان رژیم داشت صورت گرفت و رفیق جزئی در رساله تحلیلی خود تئوری مبارزه مسلحانه را با راگسترش بخشیده ، و راه آینده را روشنتر ساخت . اینک در شرایطی که جنبش * این رساله بزبانهای عربی و فرانسوی

وانگلیسی ترجمه شده و ویژه مورد استفسار انقلابیون فلسطین و ظفار قرار گرفته است . از جبهه خلق برای آزادی فلسطین این کتاب با مقدمه ای از رفیق جبرج حبش منتشر کرده است .

مسلحانه گاملا در سطح جامعه تثبیت شده است. این وظیفه بر عهده سازمان ما قرار می گیرد که با درس گرفتن از اندیشه های رفقای کبیر سازمان این رهروان راستین مارکسیسم - لنینیسم در ایران و با اتکال به تئوری عمومی مارکسیسم - لنینیسم، و هم چنین با توجه به پراتیک انقلابی موجود در جامعه دست با اقدامات وسیعی زده و بسا ایجاد یک سیستم تحلیل مداوم از شرایط عینی و متحول جامعه، و اوضاع و احوال منطقه ای و جهانی شرایط ذهنی انقلاب را متناسب با حرکت واقعیتهای عینی تدارک کند و ویژگیهای تئوری انقلابی در ایران را بمثابة یک کشور نو مستعمره تدوین نماید.

جنبش مسلحانه ایران اولین هدف استراتژیک خود را طرح و تثبیت جنبش در سطح نیروهای پیشرو، آگاه و سیاسی جامعه ایران قرار داده بود. برای تحقق این هدف کوششی گسترده و مبارزه ای بی-امان و خستگی ناپذیر لازم بود. جنبش در شرایطی حرکت عملی خود را آغاز کرد که

دشمن از ثبات نسبی برخوردار بود و بسا تکیه بر تجارب و امکانات امپریالیستها با قدرت کامل برای برانگیختن حکومت میکرد، و حتی ادعای نابودی تمام مخالفین خود را داشت رژیم شاه با تکیه بر امپریالیسم جهانی و تجارب وسیع ضد انقلابی آن، به غارت نیروی کارپرولتاریای میهن ما و همچنین منابع وسیع ملی ما مشغول بود. با اینهمه علیرغم ثبات اقتصادی نسبی که رژیم را قادر میساخت حداقل معیشت توده ها را در سطح نازلی ثابت نگهدارد و این حداقل را تأمین نماید، توده ها بشدت زیر فشار قرار داشتند و استثمار دوگانه بورژوازی کمپرادور و سرمایه داران جهانی کمر طبقه کارگر ایران را خم کرده بود. و خورده بورژوازی سنتی ایران نیز در چنگال سرمایه نیرومند امپریالیستی بورژوازی هلاک افتاده بود. در چنین شرایطی فشار سیاسی فوق العاده بر مردم از جانب رژیم نشاندهنده نارضایتی شدید اقشار و طبقات زحمتکش جامعه بود. با اینهمه این

تارضایتیها امکان بروز و رشد نمی یافتند و مردم در زیر بار دیکتاتوری سیاه شاه می سوختند و می ساختند . در چنین فضای خفقان باری تنها شکل مبارزه برای درهم شکستن فضای یأس آلودی که بر مردم چیره شده بود ، دست یازیدن به مبارزه مسلحانه بمثابه آنی تر شکل سرکوب دیکتاتوری فاشیستی شاه بود . در واقع می بایست باین مسأله که چگونه باید در جهت شکستن ماشین دولتی پیش رفت پاسخ مشخصی در عمل داده می شد . پاسخ این سؤال را تنها و تنها عینیت در استراتژی و تاکتیک مبارزه مسلحانه پیدا نمود . جنبش مسلحانه برنامه استراتژیک خود را در مرحله اول، مبارزات خود بر اساس طرح و تثبیت جنبش مسلحانه در ایران استوار ساخته بود و برای تحقق این برنامه میبایست بهمدفهای زیر دست می یافت .

۱ - مطرح کردن مشی مسلحانه به مثابه آنی تر مشی دیکتاتوری فاشیستی رژیم و بعید ان کشیدن نیروهای کپراثر

بنیست سیاسی موجود در جامعه در حال سرد رگمی و لاتکلیفی بودند و راهی برای حرکت سازنده نمی یافتند .

۲ - پایان بخشیدن به حیات تئوری بقا منفعل و یابه عبارت دیگر سیاست صبر و انتظار در سطح تیروهای آگاه سیاسی جامعه، بدین منظوری بایست مبارزه تئوریک گسترده ای با اشکال مختلف اپورتونیسم که هر یک در رغایت امری تحرکی سیاسی را توصیه میکردند ، صورت میگرفت و از طریق تحلیل علنی و کنکرت شرایط عینی و ذهنی در جامعه ایران ، راه حل مناسب برای خروج از بن بست سیاسی جامعه مطرح می گردید و تئوری جنبش - مسلحانه در سطح سراسری مطرح می شد .

۳ - ایجاد امکانات عطفی بمنظور سازماندهی پیشروترین تیروهای موجود جامعه بمنظور شروع "تبلیغ مسلحانه" که در مرحله نخست هدفش ایجاد شور و امید انقلابی در نیروهای آگاه و سیاسی جامعه و جلب حمایت معنوی این نیروها از جنبش نوین خلق بود . این امر امکان می داد که

جنبش توین در عمل نیز در سطح جامعه مطرح شود، و با عمل خود تئوریهای اصولی خویش را تضمین کند و استوار سازد.

۴ — بدنبال طرح مسأله "تبلیغ مسلحانه" در تئوری و در عمل با توجه به حمایتهای دم افزون نیروهای سیاسی و آگاه جامعه که از قبل قابل پیش بینی بود جنبش توین می بایست دست به سازماندهی نیروها زده، و پرورش یک عمل از کادرهای انقلابی را که آمادگی و توانائی مبارزه در شرایط دشوار ایران را داشته باشد برعهده بگیرد. و از این طریق شرایط ذهنی انقلاب را تدارک کرده و براساس آن جنبش را از لحاظ سیاسی و تشکیلاتی تثبیت نمایند و ضمناً بمنظور تثبیت هر چه بیشتر جنبش وحدت نیروهای مختلف انقلاب را که به مبارزه مسلحانه روی آورده اند تأمین کند.

۵ — گسترش فعالیتهای تبلیغ مسلحانه و گسترش که توضیحی بر اساس آن و همچنین استفاده از اشکال صنفی و سیاسی مبارزه حول محور تبلیغ مسلحانه و با اتکاء

بد ستاوردهای آن، و از این طریق گسترش آگاهی مبارزاتی در میان اقشار و طبقات خلق تحت ستم ایران. و بدنبال این اقدامات ایجاد زمینه های لازم برای گسترش مبارزه مسلحانه در سطح توده ها و ورود بمرحله دوم استراتژیک جنبش نوین خلق، مرحله ای که در آن توده ای کسرن مبارزه در دستور عمل جنبش قرار می گیرد اینها بودند هدفهایی که برنامه استراتژیک مرحله اول جنبش را مشخص می کردند. دشواریهای ما در اجرا و تحقق هدفهای فوق بسیار زیاد بوده اند، ما مجبور بوده ایم در چند جبهه نبرد کنیم و این دشواری می بود که بسیاری از جوانان بودند. ما از یکسو با دشمن قهار و نیرومند که از طریق هر کوشید با اعمال شیوه های مختلف، منفردمان سازد و نا بود مان کند، مواجه بودیم و از سوی دیگر می بایست با اپورتونیسم بیکرانی که بر بخشی از نیروهای آگاه ایرانی حکمروائی میکرد مبارزه می کردیم. بویژه جناحهای اپورتونیستی

ملی خارج از کشور با سوء استفاده از کمک های کشورهای سوسیالیستی و بهره وری از مکانات انتشاراتی و تبلیغاتی و منابع مالی این کشورها * لحظه ای تبلیغات عوامفریبانه ، تحریف کننده و ضد انقلابی خود را بر علیه جنبش نوین خلق ایران قطع نمی کردند و با خیالی آسوده از آنسوی مرزها در خالیکه در رفاه و تن آسائی غوطه ور بودند مبارزین جان برکف گرفته خلق را آماج تهنیت های ناروای خود قرار میدادند و هریک به سهم خود در آگاهی مردم تبااهی ایجاد می کردند و از این طریق آب به آسیاب رژیم می ریختند . ولی با تمام این ناملایمات و علیرغم تمام وحشیگریهای دشمن و برغم تبلیغات غیر مسئولانه اپورتونیست ها مرزمنندگان صادق و راستین جنبش مسلحانه با هر آنچیزی که در اختیار داشتند و حتی گاه با چنگ و دندان و آخرین توان خود پرچم مبارزه را همچنان * - این امر احساس مسئولیت بیشتری را از جانب کشورهای سوسیالیستی برادر نسبت به جنبش نوین خلق ایران ایجاد میکند .

برافراشته نگه داشتند و باین ترتیب به ضرورت مبارزه ای که خواست توده ها بود پاسخ مثبت دادند . آنها با فدا کردن بیدریغ جان خویش بر اساس ایمان قاطعی که به درستی اهداف خود داشتند نهال تورسته جنبش نوین خلق را پاسداری کردند و آنرا بارور نمودند و با مبارزه و مقاومت بی امان خود دشمن را در فتنه گریهایش به شکست و اپورتونیست های تسلیم طلب را به ناکامی محکوم ساختند ، و با تحقق بخشیدن به اهداف مرحله ای جنبش مسلحانه مهر پیروزی مشی انقلابی خود را بر صفحه تاریخ ایران کوبیدند . جنبش در دوره ای که گذشت توانست با اهداف مرحله نخست خود برسد و راه را برای آغاز مرحله دوم - هموار نماید .

وامسا دست آورد های ما :

۱ - بدنبال مطرح شدن مشی مسلحانه در جامعه نیروهای زیادی که در حال رکود سیاسی بسر می بردند به میدان مبارزه کشیده شدند ، و نیروهای فعال سیاسی

در جامعه رشد بیمابۀ ای کردند. ازسوی دیگر مطرح شدن تئوری جنبش مسلحانۀ و اقدام عطفی براساس آن در رادیکالیزه کردن نیروهای بالفعل جنبش نقش تسریع کننده داشت، بطوریکه بلافاصله پس از آغاز رستاخیز سیاهگل، دانشجویان دانشگاه ها که قبلاً را اعتصابات و تظاهراتشان همیشه درخواستهای صنفی را پوششی برای بیان خواستهای سیاسی خود قرار میدادند این بار رأساً با شعارهای سیاسی و سینار تند به خیابانها ریختند و با شعارهای "مرگ پرتشاه"، "فرسیو مرگت مبارک تهران را بلرز" را آوردند. باین ترتیب نیروهای آگاه جامعه با جسارت بیمانندی تحت تأثیر جنبش مسلحانۀ به فعالیت پرداختند و این امر تجدید حیات سیاسی نیروهای آگاه جامعه نقش تعیین کننده ای ایفا کرد و شور و حرکتی تازه به نیروهای سیاسی جامعه داد، نیروهایی که سالها با بغض و نفرت سکون و رکود سیاسی را تحمل کرده بودند و اینک راهی برای شکستن بن بست یافته

بودند، راهی را یافته بودند که میتوانند در آن راه برای آزادی و رفاه دائمی زحمت کشان جامعه خود مبارزه کنند و زندگی خود را از این طریق وقف آرمان زحمتکشان و در رأس آنها طبقه کارگر ایران بنمایند. آنها راهی را یافته بودند که هرچند بسیار دشوار ولی تنها راه نیز بود راهی که پس از سالها تجربه عطفی و مطالعه یافته شد و بالاخره با رستاخیز سیاهگل در عمل گشوده گشت.

۲ - پیروان "تئوری بظ" منفعل "که قبل از رستاخیز سیاهگل حفظ بی عمل گروههای مقاومت سیاسی، و صبر و انتظار را توصیه می کردند، پس از آغاز جنبش آرامش ابدی خود را در خطر دیدند، و لذا این بار بنیوغ تازه ای از آرامش سیاسی که منطبق با خواسته آنها یعنی حفظ وضع موجود بود روی آوردند. آنها این بار با اصطلاح بکار آرام سیاسی! در میان نموده ها! روی آوردند.

آنها با اقتباس دگماتیک این نحوه

عمل سیاسی از تاریخ مبارزات سایر خلقها همین نحوه عمل را برای شرایط کاملاً متفاوت ایران توطئه مینمودند و همگنان ناآگاه خویش را برسیدن روز موعودی که این کار آرام سیاسی! شر خواهد داد به انفعال سیاسی می کشیدند آنها از کار آرام سیاسی خود که آنقدر آرامست که هیچ کس را از خواب سیاسی بیدار نمی کند، و بویژه به خواب سیاسی توده ها صحنه می گذارد صحبت می کردند، همان شیوه ای که بمانند افیون می تواند شور و حرکت انقلابی را در عده ای بکاموشی بکشاند، همان شیوه ای که آنها فریب خوردگان تزه های پوچ خود را بوسیله آن در امید متافیزیکی روز موعود عذاب به حفظ وضع موجود راضی می ساختند همان روز موعودی که در نتیجه کار آرام سیاسی (بخوان بی عملی سیاسی) قرار است فرا برسد.

شگفت آنکه، این نقش را که همیشه ایدئولوگهای ارتجاعی و متافیزیسیتهای

جیره خوار امپریالیسم بر عهده میگرفتند این بار خرد بورژواهای فرصت طلب مهاجر و مقیمان اماکن امن و راحت، در زیر نقاب ایدئولوژی انقلابی پرولتاریا همراه با شمار تو خالی مخالفتشان با رژیم شاه بر عهده گرفته بودند.

در مقابل این بازار آشفته سیاسی که اپورتونیستهای رنگارنگ ایجاد کرده بودند، جنبش نوین خلق ایران با ارائه تئوری ظفر نمون خود که بر مدار کمیسیم - لنینیسم خلاق از یکسو و تجارب مبارزاتی خلق و پیشروان آن از سوی دیگر متکی بود، نادرستی تئوریهای فرصت طلبانه و تسلیم طلبانه را در تئوری و در عمل نشان داد. و تأثیرات منفی این تئوریها را در مقیاس وسیعی زدود. امریکه در این رهگذر جنبش را همراهی میکرد واقعیات عینی و ملموس جا معه بودند بطوریکه بسیاری از گروههای صادق در عین عمل کردن به خط مشی های اپورتونیستی پس از مدتی متوجه بی حاصلی آنها شده و این تئوریها را طرد کردند بطوریکه در

ایران این تفویضات دیگرکشش و قدرتی ندارند و آنها نیز که با این تفویضات از خارج بایران می آیند پس از مدتی یا مبارزه واقعی موجود در جامعه می پیوندند، و یا اینکه کار آرام در دستگاه دولتی و شرکت های بورژوازی را برمیگزینند. بهر حال امروزه در شرایطی که جنبش نوین خلق نقب تاریخی خود را به میان توده ها زده است، بیش از هر وقت شرایط برای دفن کامل تفویضات اپورتونیستی آماده شده است.

امروزه پس از چند سالی که از طرح تئوری ظفرنمون جنبش مسلحانه در ایران گذشت این تفویضات در عمل به پیروزی دست یافته و مورد تأیید اکثریت قاطع نیروهای پیشرو جامعه ط قرار گرفته اند. این حقیقت را با تبیین نگاهی به نیروهای کثیری که علیه رژیم فشار شدید دیکتاتوری در داخل ایران بسط جنبش نوین خلق روی می آورند می توان تشخیص داد.

۲- به موازات طرح شدن مبانی تئوریک جنبش نوین خلق ایران و اجرای عملی

نیزهای آن، پیشروترین نیروهای جامعه عملاً به جنبش نوین خلق پیوستند و تشکیلات آنرا بارور ساختند و برنامه جنبش در این زمینه به پیروزی کامل دست یافت.

۳- با تکیه بر حمایت عملی نیروهای پیشرو خلق امر سازماندهی جنبش نویسن علیه رژیم دشواری های بیسابقه ای که پیگرد ها و دستگیری ها، قتل ها و اعدام های رژیم برای سد کردن راه رشد آن ایجاد کرده بود همچنان ادامه یافت، و جنبش خلق با افت و خیز های بسیار در راه خونین انقلاب میهن ط پیش رفت، و در ایمن رهگذر بود که کادری های واقعا انقلابی بسی مضم و جانباز جنبش نوین خلق ایران تعمید انقلابی یافتند، کادری هایی که برای آنکه بتوانند در شرایطی چنین دشوار واقعا مبارزه کنند، می بایست در یک دست سلاح، در دست دیگر کتابه و در زیر زبانشان قرص مرک داشته باشند.

بدینسان بود که کادری های ورزیده و فداا می جنبش نوین خلق ایران با بر صرعه وجود

نهادند و با جانبازی و از خود گذشته‌گی بی مانند خود جنبش را در سخت ترین شرایط به پیش بردند و راه رشد مبارزات خلق را گشودند و هموار ساختند و جنبش نوین را از لحاظ سیاسی و تشکیلاتی تثبیت کردند و شرایط ارتقاء آنرا بر مراحلی بالاتر فراهم نمودند.

امری که در تشریح جریان جنبش در مرحله ای که گذشته باید مورد توجه قرار بگیرد عدم یکپارچگی سازمانهای جنبش در مرحله تثبیت بود وحدت نیروهای جنبش مسلحانه اگر در مرحله نخستین حرکت آن تحقق می یافت بلاشک در کوتاه کردن ^{بخش} دوره این مرحله می توانست نقش مثبت ایفا کند ولی این امر به علت تنگ نظریهای سیاسی و ایدئولوژیک در درون جنبش مسلحانه که از محافظه کاری سنتی نیروهای پیشرو طبقه متوسط جامعه نشأت میگرد جامعه عمل بخود ننوشتید ولی با توجه به تخییر ترکیباتی که در مبارزات این جناح از جنبش مسلحانه در یکساله

اخیر روی داده است امید داریم که بتوانیم وحدت درونی جنبش مسلحانه را بطریقی که نفی کننده خط مشی اساسی جنبش نباشد تأمین نمائیم.

۴ - فعالیتهای تبلیغ مسلحانه در این مرحله همواره با تبلیغات توضیحی قابل ملاحظه ای که توسط رادیو میهن پرستان از یکسو و انتشارات وسیع جنبش در داخل و خارج کشور از سوی دیگر همراه بسود تأثیرات وسیعی در داخل و خارج ایران از خود بجای گذاشت، نیروهای مبارز کشف راسیون دانشجویان و محصلین ایرانی در خارج از کشور که تا قبل از رستاخیز سیاهکل اساساً تحت تأثیر تئوریهای منفعل بودند از طریق انتشارات سازمان چریکهای فدائی خلق ایران با مسائل جنبش انقلابی ایران آشنا شدند و با درک مفاهیم تبلیغ مسلحانه در تئوری و عمل با حاطیت بیداریخ دفاعی خود از جنبش نوین خلق در جهت افشای رژیم شاه و معرفی انقلاب ایران گامهای ارزنده ای برداشتند. کنگره

هفدهم گفتند که سیزدهمین جهانگردانشجریا نو
محملین ایرانی که در زمستان ۴۵ تشکیل
شد نمایشگر پیروزی طرفداران جنبش مسلحانه
در سطح نیروهای خارج از کشور بود .
همچنین یاریهای صادقانه و مصممانه
گروههای مارکسیستی پیشرو در خارج از
کشور امکانات قابل ملاحظه ای را در اختیار
جنبش مسلحانه ایران نهاده است که رادیو
های حامی جنبش و فعالیتهای پیگیر آنها
نمونه بارز این یاریها بوده است .

* * *

عملیات تبلیغ مسلحانه و مفاهیم آن ،

در مرحله ای که گذشت

عملیات تبلیغ مسلحانه ایران در مرحله
ای که گذشت ، دو دوره مشخص را پشت
سرنهاده اند . در دوره نخستین که همزمان
بود با سالهای نخستین رشد جنبش
مسلحانه ، اهداف عملیات مسلحانه عبارت
بودند از :
۱ - طرح خط مشی جنبش در عمل
۲ - تدارك و تجهیز جنبش از لحاظ
مالی و تسلیحاتی .
در این سالها عملیات تبلیغ مسلحانه
عمدتا خصلت عام و سراسری داشته و بمنظور
معرفی خط مشی جنبش نوین و قدرت
عظی آن انجام می گرفتند .
و باین ترتیب نیروهای پیشگام جامعه را
بسوی پیروی از خط مشی جنبش جلب
می کردند . همچنین در این دوره یکرشته

عملیات تعرضی بمنظور تأمین نیازهای تسلیحاتی و مالی جنبش انجام گرفتند. حمله به پاسگاههای نظامی دشمن و بانکها همگی با پیروزی توأم بودند و مقادیر قابل ملاحظه ای از اسلحه و پول در اختیار جنبش قرار دادند. باین ترتیب بود که نیازهای ابتدائی جنبش مسلحانه با رعایت اصل انگاه بخود برای ادامه کاری منسی مسلحانه فرا هم شدند.

اینها بودند خصوصیات عملیات تبلیغ مسلحانه، در دوره نخستین، از مرحله اول استراتژیک جنبش مسلحانه ایران.

پس از طی سالهای نخستین، جنبش مسلحانه، قدم بقدم در راه ظفرنمون خط مشی خود پیشرفت، و بیاری نیروهای پیشرو خلق و باتگاه بر حمایت معنوی مردم در کوره آتشین مبارزه مسلحانه قوام یافت و دوام گرفت. در طول این سالها امکانات تشکیلاتی و قدرت عملی سازمان جنبش بحدی رسید که می توانست برنامه های عطیاتی سیستماتیک تبلیغ مسلحانه را بسا

دقت علمی طرحریزی کرده و بمورد اجرا در آورد. دور دوم عملیات تبلیغ مسلحانه اساسا با عملیات نمونه ای — خلقی سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در سالهای ۵۳ — ۵۴ مشخص می شود. در این دوره سازمان با بحملیات نمونه ای مشخص روی آورد. این عملیات که بدقت برترزهای تئوریک تبلیغ مسلحانه ایران استوار بودند، راه نفوذ جنبش مسلحانه را در میان توده های خلق هموار ساختند، و در زمینه سازی کار سیاسی — تشکیلاتی در میان توده ها نقش تعیین کننده ای ایفاء نمودند.

اما بینیم خصوصیات عملیات نمونه ای خلقی — سازمان چریکهای فدائی خلق ایران چه بوده اند.

این عملیات که همگی بر اساس تئوری ظفرنمون جنبش مسلحانه ایران صورت گرفتند از اصول زیرین پیروی میکردند. عملیات تبلیغ مسلحانه باید بر اساس تحلیل علمی از شرایط عینی و ذهنی

توده های خلق تنظیم گردد. بدون یک بررسی علمی و منطبق با موازین مارکسیسم-لنینیسم، از اوضاع و احوال اقتصادی، سیاسی و اجتماعی جامعه و بدون توجه به روانشناسی توده ها نمی توان تاکتیکهای مناسب را برای جلب و بسیج توده های خلق پیدا کرد.

این تئوری بپای آموزد که برای نفوذ جنبش در میان توده ها باید دست به آنچنان عملیاتی بزنیم که بطور عینسی، عملی و ملموس اهداف خلقی جنبش مسلحانه را برای توده های خلق روشن ساخته و راه نفوذ جنبش را در میان توده ها هموار نماید. براین اساس هدفهای عملیاتی مشخص باید در دستور کار عملیاتی مقرر گیرند. این هدفهای مشخص باید بگونه ای باشند که با تطبیلات روحی و مادی توده ها خلق همگونی داشته و پاسخگوی نیازها و خواسته های آنان باشند. در بسیاری موارد شرایطی پیش می آید که توده ها در مقابل طبقات حاکمه قرار می گیرند.

خواسته های توده ها، نحوه طرح درخواست هایشان، و نتایجی که از طرح این درخواستها بدست می آورند و شکست محتوی که غالباً بدان دچار می شوند می تواند بهترین راهنمای ما در انتخاب اهداف عملیاتی باشد. عملیاتی که بواقع توده ای هستند و توده ها بخاطر نزدیکی خواسته هایشان با آن این عملیات و مفاهیم آنها درک می کنند و به همین جهت بسوی مرکز قدرتی که در جهت منافع خود شان گسار می کند روی آورده شوند. پس ملاحظه می کنیم که مستتر یکن خصوصیت عملیات تبلیغ مسلحانه خصلت توده ای آن می باشد. اگر ما بتوانیم اهدافمان را بدستی انتخاب کنیم و در انتخاب اهدافمان بتوده ها رجوع کنیم، آنوقت است که مضمون عملیات تبلیغ مسلحانه با مضمون مبارزات خواسته های توده ها همگونی یافته و درهم عجین خواهند شد. البته عملیات تبلیغ مسلحانه با اهداف مختلف می تواند صورت بگیرد، ولی

اساس این عملیات را باید عملیات فابل
 لمن برای توده ها تشکیل بدهد .
 لازم است خاطر نشان سازیم که هر
 گاه بدون توجه به اصول و موازین تئوریک
 جنبش مسلحانه ایران دست بعط بزیم
 و یا بعبارت دیگر اگر عملیات مسلحانه
 را بدون تحلیل درست از شرایط عینی
 و ذهنی توده ها بدون توجه بمسائل
 توده ها برگزینیم ، آنوقت است که مضمون
 عملیات نظامی ما از مضمون مبارزات توده
 ها جدائی میگردد و عملیات مسلحانه صرفا
 جنبه اعتراضی و یا صرفا جنبه نظامی بخود
 گرفته و از محتوای سیاسی و توده ای تهی
 میگردد . و یا اینکه ممکن است فقط بسر
 اقتدار محدودی از نیروهای خلق اثر
 بگذارد . مثلا حملات بی رویه به تأسیسات
 دشمن فقط بصرف اینکه جزو تأسیسات
 دشمن می باشند یک اقدام صرفا نظامی
 می باشد که مفهوم سیاسی نداشته و در
 شرایط کنونی ما که عملیات باید خصلت
 تبلیغی داشته باشند موثر نمی باشند مخفجر

کردن بانکها ، آتش زدن سینماها و ایجاد
 انفجار در ادارات دولتی که بطور مشخص
 یا توده ها سروکاری ندارند و عملیاتی
 نظیر اینها طبعا در چهارچوب عملیات
 تبلیغی نمی گنجند و محتوای غیر توده ای
 و آوانتوریستی دارند .

نمونه ای دیگر ، می تواند جهت دیگری
 از این سؤال را روشن سازد . در یک
 کشور نیمه مستعمره — نیمه فئودال که
 رژیم حاکم بنا بر خصوصیات نظام فرتوت
 فئودالی از نظر اداری ، تشکیلاتی و نظامی
 کهنه و ضعیف است امپریالیزم مجبور است
 رأسا بوسیله نیروهای نظامی خود امنیت
 غارتگران را در کشور تحت سلطه خود
 حفظ کند ، در چنین شرایطی تضاد توده —
 های خلق با افراد و عناصر بیگانه خیلی
 زود به مرحله تعارض میرسد . چرا که
 دخالت بیگانه کاملا بی پرده و آشکار است
 در چنین شرایطی عملیات تبلیغ مسلحانه
 اساسا با حمله به عناصر بیگانه مشخص
 می شود ، این عملیات می توانند روحیه

میهن پرستی را در خلق سرشار ساخته و نیروهای خلق را بمبارزه با بیگانگان اشغالگر تشویق و تشجیع کنند، چرا که بیگانگان مستقیماً در مقابل خلق ایستاده اند و بمردم ستم روا می دارند، بهمین لحاظ نیز این عملیات برای توده های عینی و ملموس سند ط در انقلاب ویتنام شاهد چنین کاربرد عملیات تبلیغ مسلحانه بوده ایم. حال ببینیم آیا در شرایط ما نیز می شود با چنین برداشتی از عملیات تبلیغ مسلحانه وارد عمل شد؟ پاسخ قطعاً منفی می باشد.

کشور ما یک کشور نو مستعمره است که امپریالیزم سلطه آشکار و بی پرد، سیاسی و نظامی خود را، با سلطه پنهان و نامرئی اقتصادی عوض کرده است. در چنین کشوری دیگر چهره غارتگر و وحشی امپریالیزم برای توده ها نمایان نیست، در اینجا توده ها با ایادی و نوکران بومی امپریالیزم روبرو هستند، و بهمین لحاظ نیز ضربه زدن به عناصر بیگانه که این بار با واسطه ایادی بومی خود توده ها را استثمار می کنند،

دیگریک هدف عینی و ملموس را برای اکثریت توده ها تشکیل نمی دهد و تنها اقشار مشخصی از خلق با توجه به پایگاه سیاسی و اجتماعی شان می توانند مضامین ضد امپریالیستی و مرفی این عملیات را درک کنند که روشنفکران آزادیخواه، و آن قشری از خرده بورژوازی که در زیر فشار سرمایه امپریالیستی بحال افلاس و تلاشی طبقاتی افتاده است، از آن جمله اند.

پس تا موقعیکه امپریالیزم به دخالت مستقیم نظامی و اشغال کشور روی آور نشده است ما نمی توانیم اساس عملیات تبلیغ مسلحانه را بر حمله به عناصر و تأسیسات بیگانگان استوار سازیم. البته این عملیات اساس نمی توانند باشند. ولی در جای خود لازم و مفید هستند این عملیات ماضیت ضد امپریالیستی جنبش را به نیروهای آگاه خلق شناسانده و حمایت نیروهای ضد امپریالیستی جهان را از جنبش متأمین می سازند. ولی از نظر نفوذ توده ای این عملیات دارای ارزش زیادی نیستند و بهمین